

ای کاش! کودک دو نیم نمی‌شد!

در روز عید غدیر، آقای روحانی در دیدار با همکاران خود در دولت سابق گفت که «ای کاش گرفتار مصوبه هسته‌ای مجلس نمی‌شدیم تا می‌توانستیم در اسفند ۱۳۹۹ برجام را احیا کنیم.»

به گزارش سایت خبری پرسون، عباس عبدی در یادداشتی نوشت: در روز عید غدیر، آقای روحانی در دیدار با همکاران خود در دولت سابق گفت که «ای کاش گرفتار مصوبه هسته‌ای مجلس نمی‌شدیم تا می‌توانستیم در اسفند ۱۳۹۹ برجام را احیا کنیم.» هر سیاستمداری که به گذشته نگاه می‌کند، از این ای کاش‌ها! فراوان دارد. همه هنگامی که به تاریخ برمی‌گردیم، حسرت می‌خوریم که ای کاش چنان می‌شد و چنین نمی‌شد. در بسیاری از موارد هم این ای کاش‌ها! از روی استیصال است و معلوم نیست که اگر محقق می‌شد، وضع جامعه بهتر از این بود اگر بدتر نبود. ولی در هر حال جامعه و سیاست را با ای کاش! نمی‌توان فهم یا درست کرد.

باید دید در همان زمان چه کاری می‌بایست انجام می‌شد که نشد. اجازه دهید به ۳ سال پیش برویم. پس از حوادث بسیار تاسف‌بار آبان ۱۳۹۸، از سوی نواصولگرایان حملات بسیار شدیدی علیه دولت روحانی سازماندهی و اجرا شد. در ۱۷ آذر ۱۳۹۸ یادداشتی با عنوان «ایده انتخابات زودرس» نوشتیم و در بخشی از آن آمده بود که: «هیچ حکومت و دولتی حتی در شرایط عادی نیز نمی‌تواند و مجاز نیست که با این حد از تنش، مدیریت خود را تداوم دهد. در بیشتر نظام‌های سیاسی شیوه‌هایی را برای چنین موقعیت‌هایی پیش‌بینی کرده‌اند. کسب رای اعتماد مجدد دولت‌ها برای ادامه کار از این جمله است.»

یا انحلال پارلمان و رای‌گیری دوباره یا استعفای نخست‌وزیر و رییس دولت و... همه شیوه‌هایی برای عبور از وضعیت ناپایدار مدیریتی هستند. در ایران نیز موقتا قصد مقصوریابی نباید داشت و باید دنبال راه‌حلی برای عبور از این وضع بود... برای عبور از مشکلات موجود، چه در حوزه اقتصادی و چه در سیاست خارجی و چه امور سیاست داخلی نیازمند حداقلی از وحدت مدیریتی و سیاسی هستیم. متأسفانه این دو مساله در جهت عکس یکدیگر حرکت می‌کنند.

از یک سو مشکلات در این سه سطح بیشتر و بیشتر و پیچیده‌تر می‌شود. از سوی دیگر شکاف درون قدرت نیز عمیق‌تر و حتی تندتر می‌گردد... پس از اعتراضات اخیر، بعید است که از این پس دولت حتی قادر به اتخاذ تصمیمات جاری خود باشد، چه رسد به اینکه بخواهد تصمیمات مهم بگیرد... راه‌حل سوم انتخابات زودرس ریاست‌جمهوری است. انتخاباتی که می‌تواند همراه با انتخابات مجلس انجام شود.»

(پایان نقل قول) نتیجه چه بود؟ توجهی به این پیشنهاد متعارف و ساده نشد. روشن است که چرا؟ چون یاد نگرفته‌ایم یا نمی‌خواهیم هنگامی که قدرت نداریم و مسوولیت داریم، یا قدرت لازم را مطالبه کنیم یا عطای آن مسوولیت را به لقایش ببخشیم. خیلی ساده در صندلی مسوولیت می‌نشینیم و از نعمت‌های آن بهره‌مند می‌شویم، بدون اینکه بتوانیم یا بخواهیم گامی به پیش برداریم.

پس از آمدن مجلس جدید در خرداد ۱۳۹۹ حملات علیه روحانی شدت گرفت. گفتند که فقط در حال تحمل روحانی هستند. در تیر سال ۱۳۹۹ نوشتیم که: «تحمل لازم نیست، استیضاحش کنید.» طبیعی بود که نه توان استیضاحش را داشتند و نه مجاز به آن بودند، لذا حملات علیه روحانی و دولت او و به ویژه ظریف شدیدتر شد.

سپس در مهر ماه ۱۳۹۹ پیش از انتخابات آمریکا یادداشتی با عنوان «به خاطر مردم و کشور» نوشتیم و متذکر شدم که: «ده ماه پیش پیشنهاد انتخابات زودرس ریاست‌جمهوری را دادم، اصولگرایان که در خلوت خود از این ایده قند در دلشان آب می‌شد، به علت تناقضات فکری و تحلیلی، در خلوت با آن مخالفت کردند و حتی مخالفت شدیدی کردند!... طی ده ماه گذشته هیچ مشکلی حل نشده که بر مشکلات اضافه هم شده است. در این ده ماه کدام چشم‌اندازی تیره بود که تیره‌تر نشده است؟ بنابراین عاقلانه نیست که این وضع ادامه یابد... برای انتخابات آمریکا سه حالت متصور است. اول اینکه بدون دردسر و با قاطعیت ترامپ رای بیاورد.

دوم بایدن رای بیاورد و ترامپ نیز به راحتی تمکین کند. سوم بایدن رای بیاورد و ترامپ تمکین نکند و آمریکا وارد چالش جدی سیاسی شود. به نظر می‌رسد که هیچ‌کدام از این سه حالت در صورتی که تغییری در ایران رخ ندهد، نفعی برای ما ندارند. حتی بهترین حالت از سه حالت فوق که به نظر می‌رسد، آمدن بی‌سر و صدای بایدن است، اگر در ایران تغییری رخ ندهد، به سود ایران نیست و چه بسا از دو حالت دیگر نیز بدتر باشد... تداوم وضعیت و شکاف موجود جز تضعیف بیشتر و از دست دادن فرصت‌های سیاسی برای کاهش مشکلات نتیجه دیگری نخواهد داشت... از این رو حالا که اصولگرایان غالب، قدرت و اراده استیضاح را ندارند، پیشنهاد می‌کنم که روحانی شخصا دست به کار شود.

کنار رفتن نه به معنای اعتراض، بلکه به معنای گشودن راه برای حل ماجرا... متأسفانه در ایران استعفا هم به سرنوشت طلاق دچار شده است. هر زوجی که طلاق می‌گیرند، حتما باید با دشمنی و نفرت و کینه‌ورزی و بدگویی حتی زد و خورد و دعوا همراه باشد، در حالی که می‌توان دوستانه هم طلاق گرفت، اگر دو نفر متوجه شدند که به هر علتی نمی‌توانند با یکدیگر زندگی کنند می‌توانند دوستانه و مدنی از یکدیگر جدا شوند.» (پایان نقل قول) اکنون باید از آقای روحانی پرسید: آیا فکر نمی‌کنید که با یک استعفای حرفه‌ای و نه لزوماً اعتراضی، می‌توانستید مانع از سنگ‌اندازی‌های بعدی نواصولگرایان

علیه برجام شوید؟ و آیا در این صورت باز هم امروز در حسرت تصویب آن قانون بودید؟ پاسخ را نمی‌توان با قاطعیت گفت. ولی به نظرم با آغاز به نوشتن قانون هم می‌توانستید استعفا دهید تا مانع از تصویب چنین قانون زبان‌بازی شوید. ماجرای ادعای دو زن نسبت به یک کودک را فراموش نکنید. ظاهراً اجازه داده شد که این کودک دو نیم شود. احتمالاً هیچ کدام مادر واقعی نبودند.

منبع: روزنامه اعتماد